

تحلیل محتوای مقایسه‌ای تصاویر کتاب‌های درسی ایران و سوریه با تأکید بر نابرابری نقش‌های

جنسیتی

رعنا محمدتقی‌نژاد، کارشناس ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه اصفهان*

وحید قاسمی، دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه اصفهان

رضاعلی نوری، استادیار گروه علوم تربیتی دانشگاه اصفهان

چکیده

دانش‌آموزان هر کشوری، نسل آینده آن کشور را رقم می‌زنند. از این رو، هر کشوری می‌تواند از راه‌های گوناگون، برنامه‌ها و تصمیم‌گیری‌های خود را برای دانش‌آموزان منتشر کند (رمزگذاری)؛ یعنی پیام‌هایی که از طریق متون درسی، مصوبه‌های آموزشی و تصاویر کتاب‌های درسی به دانش‌آموزان منتقل می‌شود، می‌تواند از سوی دانش‌آموزان به روش‌های مختلفی قرائت شود (رمزگشایی). در پژوهش حاضر، هدف، بررسی نابرابری نقش‌های جنسیتی در میان تصاویر کتب درسی است. در هر کشوری، گفتمانی خاص وجود دارد که همه اصول، قوانین، ارزش‌ها و هنجارها از آن منبعث می‌شود. کتب درسی یکی از ابزارهای لازم برای انتقال این گفتمان به مخاطبان است. به همین منظور، تصاویر کتاب‌های درسی مقطع دبستان و راهنمایی ایران و سوریه با استفاده از تکنیک تحلیل محتوا، مقایسه شده است. داده‌ها بیانگر آن است که حدود ۶۰ درصد تصاویر مربوط به جنس مذکر و حدود ۴۰ درصد آنها مربوط به جنس مؤنث است. جنس مؤنث بیشتر در سنین کودکی به تصویر کشیده شده است و در سنین بالاتر در نقش مادری، معلمی و پرستاری قرار گرفته‌اند؛ ولی جنس مذکر بیشتر در سنین جوانی نمایش داده شده‌اند که عهده‌دار مشاغل تخصصی، سخت، حرفه‌ای، تولیدی و خدماتی هستند. با این وصف، زنان با به دست آوردن قدرت تولید مادی می‌توانند با دنیای مردان رقابت کنند. هرچند در سال‌های اخیر حرکت‌هایی در جهت برابری جنسیتی صورت گرفته است؛ اما هنوز چرخه تحلیل به طرف مردان سنگینی می‌کند.

کلید واژه‌ها: تحلیل محتوا، نقش‌های جنسیتی، کتاب‌های درسی، نظام آموزشی، جنسیت.

مقدمه

نابرابری اجتماعی به تفاوت افراد و یا جایگاه آنها اشاره دارد که کهن‌ترین شکل آن را می‌توان در زمینه جنسیت جستجو کرد. نابرابری جنسیتی، واقعیتی اجتماعی است که در هر برهه‌ای از تاریخ با به حاشیه راندن زنان و وابسته کردن آنها به جنس دیگر وجود داشته است. در این بستر، زنان به عنوان طبقه فرودست مردان شناسایی می‌شوند.

از دیدگاه زنان، جهان اجتماعی، جهانی "جنسیتی شده"^۱ است. احساس‌ها، نیازها، رفتارها، نقش‌های اجتماعی، حرفه‌ها و کل نهادهای اجتماعی به عنوان اموری مردانه، زنانه یا مناسب برای مردان و زنان تعریف و بازتعریف می‌شوند. از نظر آنها، تفاوت‌های جنسیتی زنان و مردان برای حفظ سلطه مردان بر دنیای زنان ساخته شده است و مانند هر گروهی که از داشتن قدرت سود می‌برد، مردان نیز به حفظ سلطه خود علاقه‌مندند. بنابراین، روابط نابرابر و فرودستی جنسیتی می‌تواند به حفظ منابع سلطه آنها کمک کند (محمدپور، ۱۳۸۹: ۲۹۰).

باید دانست که جامعه‌شناسان میان واژه جنس^۲ و جنسیت^۳ تفاوت قایل هستند. جنس به تفاوت‌های زیست‌شناختی و کالبدشناسی و فیزیکی میان زنان و مردان اشاره دارد؛ اما جنسیت مشمول رفتارها، نقش‌ها، کنش‌ها و اندیشه‌های اجتماعی است که فرهنگ حاکم در هر جامعه به عهده دو جنس زن و مرد می‌گذارد و در ارتباط با نقش‌های جنسیتی، افکار قالبی در مورد هر دو جنس در جامعه مشاهده می‌شود که دامنه انتظارات را از هر دو جنس تعیین می‌کند (نرسیان، ۱۳۸۳: ۹-۱۰).

تصور ما از مرد بودن و زن بودن به شرایط خاص جامعه برمی‌گردد؛ به عبارت دیگر، جنسیت سازه‌ای اجتماعی^۴ است. گفته می‌شود سوژه^۵ اصلی نظریه فمینیسم "جنسیت" است

یا نقطه عزیمت فمینیسم را رابطه میان جنس و جنسیت تشکیل می‌دهد (Chapman, 1995:99).

در بیشتر جوامع جنسیت پایه توزیع امکانات، موقعیت‌ها، پاداش‌ها و فرصت‌ها قرار می‌گیرد. به این ترتیب قشربندی جنسیتی در جامعه پدیدار می‌گردد که هر عضوی از جامعه بنا بر موقعیت خود در این لایه‌های متفاوت اجتماعی از توزیع قدرت، ثروت، آزادی، حقوق و ... بهره می‌گیرد. جنسیت مقوله‌ای اجتماعی است که به واسطه آن قدرت در بین افراد تقسیم می‌شود و زنان همواره سهم کمتری را در این تقسیم‌بندی به دست آورده‌اند.

فرایندی که مردم به سبب آن یاد می‌گیرند چگونه زن یا مرد باشند، جامعه‌پذیری جنسیتی نامیده می‌شود که زنان و مردان از طریق آن صفات و ویژگی‌های جنسیتی شده را فرا می‌گیرند و سعی می‌کنند بر اساس آنها به انتظارات جامعه پاسخ دهند. در چنین فرایندی پسران هویت خویش را به عنوان جنس برتر درک می‌کنند و در مقابل دختران هویت خود را به عنوان جنس دوم می‌شناسند.

از نظر کارن هورنای^۶، تفاوت‌های روانی بین زنان و مردان ناشی از آناتومی نیست، بلکه به علت انتظارات فرهنگی و اجتماعی است. مردانی که زنان را تحت کنترل خود در می‌آورند یا بر آنها حکم می‌رانند و زنانی که مردان را خوار می‌کنند یا به آنها حسد می‌ورزند، این کار را به علت رقابت جویی روان رنجور که در بسیاری از جوامع شایع است، انجام می‌دهند (فیست، ۱۳۸۶: ۲۰۹). هورنای بر خلاف فروید عنوان می‌کند که حسدورزی زنان نسبت به دستگاه جنسی مردان نیست، بلکه آنها به امتیازاتی که فرهنگ پدرسالار برای جنس مذکر رقم می‌زند، رشک می‌برند.

نابرابری جنسیتی از طریق ایدئولوژی‌های همزاد پدرسالاری مشروع می‌شود. پدرسالاری یک ساختار اجتماعی است که در آن ساختار جنسیتی، حقوقی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی به طور هم‌زمان علیه زنان عمل می‌کند و زنان

¹ Gendered

² Sex

³ Gender

⁴ Social construct

⁵ subject

⁶ Karen Horney

آموزش رسمی یکی از عوامل جامعه‌پذیری افراد است و از آن‌جا که افراد از سن هفت سالگی به این نهاد وارد می‌شوند، این نهاد به شدت می‌تواند روی نگرش، ارزش‌ها و هنجارهای افراد تأثیرگذار باشد. آموزش مدارس از طریق ابزارهای گوناگون، همچون: مفاهیم و تصاویر کتاب‌های درسی، گروه‌های همکلاسی، کادر آموزشی و ... می‌توانند روی دانش‌آموزان مؤثر واقع شوند.

بخش درخور توجهی از فعالیت‌های دانش‌آموزان کتاب محور است و ارزیابی آنها نیز بر این اساس انجام می‌شود. بنابراین، کتاب‌های درسی نقش بسزایی بیش از صرف انتقال مفاهیم به دانش‌آموزان دارد که بتواند آنها را با نقش‌های جنسیتی خود آشنا کند که به اعضای فعال در جامعه بزرگتر تبدیل شوند.

در این فرایند اجتماعی شدن که در آن سوژه‌های جنسیتی ساخته می‌شود، مدارس و کتاب‌های درسی یکی از مهم‌ترین ابزارهای انتقال ارزش‌های فرهنگی محسوب می‌شوند که گفتمان اصلی کشور را به فرد منتقل می‌کنند. دانش‌آموزان را برای نقش‌هایی که در آینده بر عهده خواهند گرفت آماده می‌کند و خوب و بد (مبتنی بر گفتمان حاکم) را به آنها می‌آموزد. شاید به نظر برسد که تصاویر کتاب فقط برای توضیح بیشتر متون باشد، ولی یک تصویر می‌تواند معنای مختلفی را بازگو کند و در ناخودآگاه افراد به صورت یک «منش» در بیاید؛ مانند نقش‌های جنسیتی، مفهوم شهروندی، حجاب و ...

از جمله سؤال‌های مهمی که این مقاله درصدد پاسخگویی به آن است، عبارتند از: «محتوای تصاویر کتاب‌های درسی ایران و سوریه تا چه حد به بازتولید نقش‌های جنسیتی پرداخته است؟»، «در تصاویر زنان و مردان بیشتر به چه مشاغلی مشغول هستند؟» و «بین دو کشور ایران و سوریه از لحاظ نقش‌های جنسیتی چه تفاوت‌ها و شباهت‌هایی وجود دارد؟»

همواره به علت جنسیت‌شان مورد تبعیض قرار می‌گیرند. در چنین نظامی تفاوت‌های جنسیتی تجلیل می‌شود و نابرابری جنسیتی ناچیز شمرده می‌شود. در اوایل دهه ۱۹۷۰، پدرسالاری به یکی از اصطلاحات اساسی در نظریات و جنبش‌های فمینیستی تبدیل شد.

فمینیسم، قلمرو متکثری از دیدگاه‌ها و راهکارهای متناقض برای کنش است. به بیان کلی، فمینیسم بر این نکته تأکید می‌کند که جنس، محور بنیادین و غیرقابل تقلیل سازمان اجتماعی است که تا به امروز زنان را فرودست مردان قرار داده است. فمینیسم به جنس به مثابه اصل سازمان‌دهنده زندگی اجتماعی می‌نگرد که با روابط قدرت اشباع شده است. فمینیست‌ها برآنند که فرودستی زنان از طریق دامنه گسترده‌ای از نهادها و اعمال اجتماعی رخ می‌دهد؛ یعنی مطیع بودن زنان را باید در قالب شرایطی اختیاری فهمید. این موقعیت فرودستی زنانه را فمینیست‌ها پدرسالاری می‌نامند؛ مفهومی که بر خانواده پدرسر^۱، مردانگی و فرادستی دلالت دارد. فمینیسم در مقام یک جنبش، با برساخت راهبردهایی سروکار دارد که مستلزم دخالت در زندگی اجتماعی با هدف تعقیب منافع زنان است و طیف وسیعی از تحلیل‌ها و استراتژی‌هایی از کنش را پیش روی نهاده است (بارکر، ۱۳۸۷: ۵۰۱-۵۰۲).

فمینیسم بر این باور است که انسان‌ها در جامعه می‌آموزند که مرد یا زن باشند. زنان در فرایند اجتماعی شدن اطاعت از نقش‌های مردانه را درونی می‌کنند. به همین دلیل، رویکرد فمینیستی، جنسیت را به مثابه امری می‌بیند که به لحاظ اجتماعی ساخته می‌شود (Turner, 2003).

اجتماعی شدن به فرایندی گفته می‌شود که از طریق آن می‌آموزیم به عنوان عضوی از جامعه رفتاری متناسب با جامعه خود داشته باشیم و این متناسب بودن برای پسران و مردان چیزی متفاوت از دختران و زنان است. بخش عمده‌ای از اجتماعی شدن، یادگیری رفتار جنسیتی است (هولمز، ۱۳۸۹: ۶۳).

¹ Male-Headed family

اعضای بزرگسال خانواده پایین‌تر از پدر نشسته بود و کودکان پایین‌تر از آنها. پس از سال ۱۷۷۵ این ترتیب عمودی که بیانگر نقش پدرسالاری و نقش سلسله مراتب اقتدار والدین بر کودکان است، جای خود را به ترتیبات افقی داد که همه اعضای خانواده در یک سطح قرار داشتند. فیشر با مقایسه تصاویر قدیم و متأخر درمی‌یابد که ترتیبات افقی بیانگر نقش مساوات‌طلبانه‌ای است که خانواده‌ها در قرن بیستم پیدا کرده‌اند. ترتیبات افقی در این تصاویر تنوع زیادی یافته است و گاه کودکان بالاتر از والدین قرار گرفته‌اند (بیکر، ۱۳۸۶: ۳۱۹).

❖ هدف از مقاله «تفاوت جنسیت در کتاب‌های درسی تربیت بدنی در اسپانیا: تحلیل محتوای عکس» این است که نشان دهد چگونه تفاوت‌های جنسیتی در تصاویر کتاب‌های درسی تربیت بدنی برای مدارس متوسطه در اسپانیا بین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۶ وجود دارد. عوامل مورد مطالعه عبارتند از: جنس، نوع فعالیت بدنی، زمینه عمل، فضا و سطح. یافته‌ها بیانگر عدم تعادل قابل توجهی بین تعداد مردان و تعداد زنان است که در آن، مردان به وضوح وضعیت غالب را نشان می‌دهند. علاوه بر این، این تصاویر مردان و زنان را در نقش‌های کلیشه‌ای و فعالیت‌های خاص و یا ورزشی را برای یک جنس (مذکر) به تصویر می‌کشد. (Táboas-Pais, María; Rey- Cao, Ana : 2012).

❖ در شماره ۳۴ نشریه «حرفه هنرمند» از صفحات ۱۷۶ تا ۱۹۲ سالشمار تصویری از سال‌های ۱۳۵۸ تا ۱۳۷۷ را شاهد هستیم که تقریباً در یک دوره ۲۰ ساله سعی دارد با عکس‌هایی جنبه‌های مختلف زندگی ایرانی را نشان دهد. در بعضی تصاویر به نقش‌هایی که افراد مختلف (مرد، زن) بر عهده گرفته‌اند اشاره شده است. (توکلی، ۱۳۸۹)

❖ مقاله «بازتولید نقش‌های جنسیتی در کتاب‌های فارسی مقطع ابتدایی» با تکنیک تحلیل محتوا به بررسی کتاب‌های فارسی پرداخته است. بخشی از این کار به تحلیل تصاویر اختصاص یافته است، که نشان می‌دهد جنس مذکر به وضوح بیشتر از تصاویر جنس مؤنث است و زنان بیشتر در نقش‌های

حال با توجه به اهمیت کتاب‌های درسی و نقشی که آنها در انتقال مفاهیم دارند، این مقاله درصدد است که شیوه بازتولید نقش‌های جنسیتی در تصاویر کتاب‌های درسی دوره دبستان و راهنمایی ایران و سوریه را بررسی کند. کشورهای ایران و سوریه، هر دو کشوری مسلمان محسوب می‌شوند که کلمه «جمهوری» در عنوان هر دو نظام به کار رفته است؛ ولی با وجود این، در جهت‌گیری فرهنگی نظام سیاسی این دو کشور تفاوت‌هایی وجود دارد که باعث شکل‌گیری فرایندهای مختلف اجتماعی شدن می‌شود.

پیشینه پژوهش

از آن‌جا که به طور خاص هیچ کار پیشینی در مورد تحلیل تصاویر کتب درسی از منظر نابرابری‌های جنسیتی وجود ندارد، سعی شده است به منابعی که تحلیل تصویر در آنها انجام شده باشد یا مطالعاتی که در باره «نقش‌های جنسیتی» است، پرداخته شود.

❖ تحلیل عکس سیاهپوستان آمریکایی در سه مجله: لایف، نیوزویک و تایم در مقاطع پنج ساله در فاصله سال‌های ۱۹۳۷ و ۱۹۸۸ از نقش رو به رشد سیاهان در همه جنبه‌های زندگی آمریکایی خبر داد. (رایف و دیگران، ۱۳۸۱: ۳) و این کاری بود که لستر و اسمیت در سال ۱۹۹۰ انجام دادند.

❖ پژوهش دیگری درباره تصاویر ثابت؛ کاری بود که لسلی در سال ۱۹۹۵ در مورد مدل لباس، قیافه، صورت آدم‌ها و مدل موی آنها در آگهی‌های بازرگانی در دهه‌های ۱۹۵۰، ۱۹۶۰، ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ انجام داد و به این نتیجه رسید که در دهه ۱۹۶۰ با جنبش سیاهان، آگهی‌های تجاری که زنان سیاهپوست را نشان می‌داد، تحت‌الشعاع قرار گرفت و بدن زنان اروپایی به جای آن، مدل غالب آگهی‌ها شد (رایف، ۱۳۸۱).

❖ فیشر در مطالعه روابط خانوادگی در طی نسل‌ها، محتوای تصاویر ۳۰ خانواده آمریکایی را از ۱۷۲۹ تا ۱۸۷۱ بررسی کرد. تا سال ۱۷۷۵ در همه تصاویر جز یکی، پدر خانواده در صدر تصویر قرار داشت و مادر در کنار دیگر

تساوی جنسیت رویکردهای ارزشی متفاوتی دارند (هاشمی و شهرآرای، ۱۳۸۷).

❖ مقاله «جامعه‌پذیری جنسیتی در کتاب‌های درسی مدارس ایران» معتقد است جامعه‌پذیری جنسیتی عمدتاً در دوران کودکی و سنین مدرسه شکل می‌گیرد و به تدریج در ذهن و رفتارهای اجتماعی درونی و متبلور می‌شود. بدین ترتیب، مدارس و کتاب‌های درسی به‌عنوان اولین و مؤثرترین مرجع رسمی آموزش و انتقال انتظارات اجتماعی و استانداردهای فرهنگی، نقشی مهم در تکوین و توسعه هویت جنسیتی کودکان و نوجوانان ایفا می‌کنند. در مجموع، مطابق یافته‌های این پژوهش، فراوانی اسامی و تصاویر مردان، غلبه چشم‌گیری بر اسامی و تصاویر زنان دارد. این نوع سوگیری جنسیتی در واژه‌های کلیدی مرتبط با جنس مذکر و مؤنث (مانند کلمات مرد و زن، پسر و دختر)، الگوها و ویژگی‌های کارهای داخل و خارج خانه، ترکیب بُعد خانواده بر حسب جنس فرزندان، و فعالیت‌های ورزشی نیز وجود دارد. نکته مهم‌تر آن‌که، غالباً همبستگی مستقیم و معناداری بین پایه تحصیلی و این نوع سوگیری‌های جنسیتی مشاهده می‌شود. به‌علاوه، تفاوت‌های کمابیش مهمی در خصوص چگونگی بازنمایی برخی از نقش‌های جنسیتی به تفکیک عنوان کتاب‌های درسی نیز وجود دارد (فروتن، ۱۳۸۹).

❖ مقاله «زنان و زبان: بازنمایی هویت جنسیتی در کتاب‌های زبان‌های فارسی، عربی و انگلیسی مدارس ایران» با رویکردی اجتماعی درصدد پاسخگویی به این پرسش است که چه مناسباتی بین زبان و جنسیت وجود دارد؟ نتایج این پژوهش نشان داده که پدیده تقدم مرد به اشکال متعدد در این کتاب‌ها وجود دارد. مطابق نتایج پژوهش، این برتری جنسیتی به درجات گوناگونی در این کتاب‌ها مشاهده می‌شود؛ اما الگوها و کدهای جنسیتی کمابیش یکسان و مشابهی در این کتاب‌های درسی انعکاس یافته است (فروتن، ۱۳۹۰).

❖ مقاله «تحلیل تطبیقی محتوای تصاویر کتاب‌های آموزش عمومی از منظر بازنمایی فرهنگ پوشش بین دو

کودکی و نوجوانی و مردان عمدتاً در نقش‌های بزرگسالی به تصویر کشیده شده‌اند. هدف این مقاله، مطالعه انعکاس نقش‌ها و باورهای جنسیتی در چهار مؤلفه تصاویر، خویشاوندان، والدین و نقش‌های شغلی بوده است (افشانی و دیگران، ۱۳۸۸).

❖ مقاله «بازتاب هویت‌های جنسیتی در کتاب‌های تعلیمات اجتماعی آموزش ابتدایی و دوره راهنمایی تحصیلی» به اهمیت نقش کتاب‌های درسی در تکوین هویت‌های جمعی، جنسیتی، گروهی و قومی بحث می‌کند که نتایج آن نشان می‌دهد تنها در کتاب *تعلیمات اجتماعی* سال اول راهنمایی تا حدی آگاهانه تعادلی در تکوین هویت جنسیتی دختر و پسر برقرار شده است و در کتاب‌های دوم و سوم راهنمایی هویت جنسیتی دختران کم‌رنگ شده است (شیخ‌وندی، ۱۳۸۵).

❖ مقاله «نقش و منزلت زن در کتاب‌های درس فارسی مدارس آموزش و پرورش ایران» به اهمیت کتاب‌های درسی برای انتقال ارزش‌ها و دانش‌ها از نسلی به نسل دیگر می‌پردازد و بر وجود کلیشه‌های تبعیض‌آمیز جنسیتی تأکید می‌کند. مؤلفه‌های مورد استفاده این پژوهش عبارتند از: فراوانی نام‌ها، مشاغل، تصاویر، واژه‌های جنسیتی، نوع فعالیت، صفات و ویژگی‌های هر دو جنس و در آخر، نویسنده نتیجه می‌گیرد که از نظر کمی و کیفی در هر زمینه به زنان کم توجهی شده و متون و تصاویر بر پایه پیشداوری‌ها و قالب‌های ذهنی مبتنی بر تبعیض جنسیتی تدوین شده است (سیف‌اللهی و ابراهیمی، ۱۳۸۷).

❖ مقاله «بررسی باورها و ارزش‌های دانش‌آموزان، خانواده و کتاب‌های درسی درباره تساوی جنسیت» به بررسی باورها و ارزش‌های خانواده و کتاب‌های درسی در خصوص موضوع جنسیت و نقش آن در چگونگی بازنمایی و حل مسأله تساوی جنسیت از سوی دانش‌آموزان می‌پردازد. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که محتوای کتاب‌های درسی در جهت تقویت مرزبندی‌های جنسیتی است؛ اما به‌رغم پیام مشترک این کتاب‌ها، دانش‌آموزان در حل مسأله

خاص زنانگی و مردانگی قبل از هر چیز محصولی اجتماعی است که توسط هر نسل، آموخته می‌شود.

ریتزر^۲ معتقد است نظریات متفاوتی در مورد جنسیت وجود دارد که می‌توان آنها را به سه دسته تقسیم‌بندی کرد: نظریه‌های تفاوت جنسیتی^۳ که جایگاه و تجربه زنان را در بیشتر موقعیت‌ها متفاوت از جایگاه مردان در همان موقعیت‌ها قلمداد می‌کند و در سه بعد زیست‌شناختی، نمادی و اجتماعی بحث می‌کنند؛ اما نظریاتی که حول محور نابرابری جنسیتی^۴ شکل گرفته‌اند. علاوه بر این، متفاوت بودن جایگاه آنها در موقعیت‌های مشابه، اذعان می‌کنند که جایگاه زنان کمتر از جایگاه مردان است و معتقدند این نابرابری‌ها از سازمان جامعه نشأت می‌گیرند و در قالب نظریات فمینیستی لیبرال و مارکسیستی بحث می‌کنند و نظریات ستمگری جنسیتی^۵ رابطه قدرت بین مردان و زنان را در یک نظام پدرسالار^۶ به شکلی می‌بینند که در آن زنان همواره در قید و بند و تابعیت و سوء استفاده و بدرفتاری مردان قرار دارند (ریتزر، ۱۳۸۵).

در اوایل دهه ۱۹۸۰ میلادی رالزر بلومبرگ (۱۹۸۴) نظریه قشربندی جنسیتی^۷ خود را عرضه کرد. نظریه بلومبرگ مبتنی بر دانش تجربی وسیعی در مورد انواع جوامع و رابطه زنان و مردان است. وی بر این باور است که قشربندی جنسیتی به میزان کنترل وسایل تولید و تخصیص مازاد تولید به زنان وابسته است. چنین کنترلی توسط زنان به آنها قدرت اقتصادی، نفوذ سیاسی و نهایتاً وجهه اجتماعی می‌دهد. به نظر بلومبرگ، نابرابری جنسیتی در سطوح گوناگونی آشیاخته است: روابط مرد و زن آشیاخته در خانوارها دارد؛ خانوارها مبتنی بر جماعات محلی هستند؛ جماعات بر ساختارهای طبقاتی قرار دارند و بالاخره ساختارهای طبقاتی در کشور سکنی گزیده‌اند. کنترل مردان در سطوح مختلف باعث کاهش

کشور ایران و سوریه» نیز، با تکنیک تحلیل محتوا به مقایسه‌ای تطبیقی بین تصاویر کتب درسی پرداخته‌است و مقوله پوشش را بررسی کرده است. از نظر روش مشابه پژوهش حاضر است؛ ولی محتوای بررسی از نظر مقولاتی که بررسی شده است، تفاوت دارد (قاسمی و دیگران، ۱۳۹۲).

پایه‌های نظری

نابرابری جنسیتی از دیدگاه‌های گوناگونی قابل بیان است. سه دیدگاه عمده مربوط به کارکردگرایان^۱، تضاد گرایان و انسان‌شناسان است:

کارکردگرایان با این فرض آغاز می‌کنند که همه جوامع تفاوت‌های جنسیتی را تشویق می‌کنند؛ زیرا این تفاوت‌ها اثرهای مثبتی بر کل جامعه دارد. نظر به این که زنان برای گذران زندگی خود به حمایت جنس مرد نیاز دارند و از آنجایی که مردان قادر به رفع این نیاز هستند، به طور اجتناب‌ناپذیری مردان به عنوان عضو مسلط این رابطه شناخته می‌شوند و در همه موارد خواسته خود را بر زن تحمیل می‌کنند. این جریان در طول حیات جوامع از ساخت عمیقی برخوردار می‌گردد. دورکیم و پارسونز از کسانی هستند که در این رابطه از این نوع تفاوت‌ها همواره حمایت کرده‌اند؛ چرا که معتقدند این امر به اثرهای مثبتی برای جامعه منجر می‌شود. از طرفی دیگر، منشأ کلی نابرابری جنسیتی از دیدگاه ستیزگرایان عبارت است از: نابرابری اقتصادی بین مردان و زنان. دسترسی و مالکیت ابزار تولید توسط مردان و کسب ثروت، مهم‌ترین عامل نابرابری جنسیتی شمرده می‌شود. ثروت به فوریت به دیگر منابع قدرت و منزلت تبدیل می‌شود و مردان را همواره در جایگاه بالاتری از زنان نگه می‌دارد.

انسان‌شناسان اذعان می‌کنند که اگر تفاوتی در بین مردان و زنان وجود دارد، باید در همه اعصار و در همه جوامع قابل شناخت باشد؛ اما مطالعات انسان‌شناسان گویای آن است که نقش‌های جنسیتی بالقوه، کاملاً انعطاف‌پذیر هستند و محتوای

² Ritzer

³ Gender Difference theories

⁴ Gender Inequality theories

⁵ Gender Oppression theories

⁶ Paternal system

⁷ Gender Stratification Theory

¹ functionalist

چافتز^۱

چافتز، از نظریه‌پردازانی است که تبیین‌های علمی خود را در جهت لایه‌بندی جنسیتی گسترش داده است. او به دو نوع نیروی اساسی که به حفظ یک نظام نابرابر جنسیتی منجر می‌شود، اشاره می‌کند: نیروهای اجباری^۲ و نیروهای اختیاری^۳، اختیاری^۳، که این دو به هم پیوسته و وابسته هستند.

چافتز معتقد است قشربندی نهایتاً به تقسیم کار در جامعه منجر می‌شود. اگر تقسیم کار در سطح کلان یک جامعه جنسیت یافته صورت گیرد و کارها بر اساس جنس تقسیم شود، این امر باعث می‌شود که مردان به منابع مادی و قدرت بیشتری دست پیدا کنند و این تفاوت بین زنان و مردان در منابع مادی و قدرت به برتری مردان منجر می‌شود و این برتری از سطح کلان جامعه به سطح روابط خرد بین زن و مرد می‌رسد. این مسئله باعث می‌شود زنان به انجام امور منزل پردازند و مردان در جایگاه‌های عمودی مادی و قدرت به صورت نخبه درآیند و مالک زن، بدن زن و محصول بدن زن شوند و زنان همواره خود را با مردان خویش سازگار می‌نمایند. تعاریف جنسیتی که شامل ایدئولوژی‌های جنسیتی و باورهای قالبی جنسیتی است؛ چه در سطح کلان و چه در سطح خرد، فرادستی مردان و فرودستی زنان را تضمین می‌نماید که این تقسیم‌بندی از طرف هر دو جنس پذیرفته می‌شود. اینجاست که نیروهای اختیاری نابرابری جنسیتی به صورت ناخود آگاه عمل می‌کند؛ زیرا افراد در فعالیت روزمره زندگی‌شان، فعالیت‌های کاری و در عرصه‌های عمومی شاهد تفاوت‌ها و نابرابری‌های جنسیتی هستند. در نتیجه آنها را برای نسل بعدی در رفتارهایشان نشان می‌دهند. در واقع، افراد به صورت داوطلبانه به تداوم تقسیم کار بر اساس جنسیت اقدام می‌کنند و نابرابری جنسیتی را در سطوح‌های مختلف در روابط بین زن و مرد بازتولید می‌کنند.

قدرت زنان در جوامع شده‌است. در این زمینه، او یک قضیه بیان می‌کند: «هرچه زنان قدرت اقتصادی بیشتری داشته باشند، بیشتر قادر خواهند بود بر شکل‌های دیگر قدرت-سیاسی، ایدئولوژیک و غیره دسترسی پیدا کنند» (لهسای زاده، ۱۳۸۷: ۲۴).

بلومبرگ تأکید می‌کند که در دوران انتقال قدرت اقتصادی از مردان به زنان، مردان احساس خطر می‌کنند و در نتیجه تلاش‌های زنان را سرکوب می‌کنند تا آنها قدرت برابر به دست نیاورند. اگر در این مرحله زنان مقاومت کنند و دوران انتقال را پشت سر بگذارند، خط مشی‌های سیاسی علیه زنان کنار گذاشته می‌شود و خشونت علیه زنان با تنبیه روبه‌رو می‌شود. بنابراین، به دست آوردن کنترل اقتصادی شرط لازم برای موقعیت برابر زنان در قشربندی اجتماعی است؛ اما زنان چگونه می‌توانند کنترل اقتصادی را به دست آورند؟ به نظر او، این امر رابطه مستقیمی با تقاضا برای کار زنان دارد. از سوی دیگر، کار مولد زنان به کار بازتولیدی آنها بستگی دارد. مردان، از وجود کار بازتولیدی زنان به عنوان مانعی بر سر راه کار مولد زنان استفاده می‌کنند (لهسای زاده؛ به نقل از بلومبرگ، ۱۹۸۴).

در جوامعی که کار زنان اهمیت پیدا می‌کند، زنان می‌توانند قدرت بیشتری به دست آورند. این اهمیت، در گرو مهارت تکنیکی و درجه خودمختاری کار زنان است؛ همچنین به اندازه سازمانی وابسته است که زنان در آن کار می‌کنند. افزون بر این، به این مربوط است که تا چه اندازه زنان می‌توانند در جهت منافع جنسیتی خود را سازماندهی کنند؛ و نهایتاً بستگی به این دارد که زنان چقدر می‌توانند در بازار کار با مردان رقابت کنند (لهسای زاده، ۱۳۸۷: ۲۵).

علاوه بر این دیدگاه‌های کلی، می‌توان از میان نظریاتی که به نابرابری جنسیتی پرداخته شده است، به نظریه لایه‌بندی چافتز و نظریه نابرابری بورديو اشاره کرد:

¹ Chafetz

² Coercive bases

³ Voluntaristic bases

توسط سازوکارهای غیرمستقیم فرهنگی، و نه با کنترل اجتماعی مستقیم و قهری تولید می‌شود (جنکینز، ۱۳۸۵: ۱۶۲).
خشونت نمادین به طبقه مسلط این امکان را می‌دهد که با تعریف واقعیت به دلخواه خود جایگاه خود را کنترل کنند. خشونت نمادین در دیدگاه بوردیو با مفهوم سرمایه نمادین پیوند کاملی دارد. در واقع، خشونت یا قدرت نمادین صرفاً یک پتانسیل و امکان اعمال قدرت یا خشونت است؛ اما همین امکان سبب می‌شود که افراد به شدت رفتارهای خود را کنترل و خود را با منشأ بروز آن خشونت هماهنگ کنند.

خشونت نمادین در ساختن واقعیت‌ها نقش دارد. خشونت نمادین به معنای تحمیل نظام‌های نمادها و معناها (یعنی فرهنگ) به گروه‌ها و طبقات است؛ به نحوی که این نظام‌ها به صورت نظام‌هایی مشروع تجربه شوند. از دیدگاه او، قرارگاه اصلی خشونت نمادین، فعالیت پرورشی و تربیتی است (جنکینز، ۱۳۸۵: ۱۶۳). می‌توان گفت خشونت نمادین بوردیو مبتنی بر باورهای قالبی جنسیتی است که گونه‌ای حمایت را برای نظم اجتماعی مسلط فراهم می‌کند و با تعاریف اجتماعی که چافتر آن را بیان می‌کند، همسوست.

بوردیو در نظریه خود در باب نابرابری، به فراسوی مفهوم مارکسیستی که تنها از بعد اقتصادی به قضیه نگاه می‌کند، گام برمی‌دارد. او نابرابری را حاصل ترکیبی از انواع سرمایه (اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و نمادی) می‌داند که افراد در یک میدان اجتماعی می‌توانند به آنها دسترسی پیدا کنند.

سرمایه اجتماعی مجموعه امکانات بالقوه و بالفعل است که فرد با عضویت در شبکه‌های اجتماعی مرتبط می‌تواند آنها را به دست آورد. سرمایه اقتصادی، سرمایه‌ای است که مستقیماً تبدیل شونده به پول است و به صورت حقوق مالکیت نهادینه می‌شود. سرمایه فرهنگی به استفاده از کالا و ابزار و وسایل فرهنگی مربوط می‌شود و سرمایه نمادین به صورت اعتبار و قدرت نمایان می‌شود.

نظریه وبلن^۱ با نظریه چافتر بسیار همسوست. وبلن با بررسی نقش جنسیت در جامعه متذکر شد که در ابتدای تاریخ بشر، مرد و زن سهم یکسانی از بار زندگی را بر دوش داشتند؛ اما با گذشت زمان، زنان فقیر بیشتر و بیشتر متحمل وظایف سنگین شدند. بارداری و پرستاری که از واقعیات بیولوژیک زنان است، قطعاً امکان تحرک زنان نخستین را محدود می‌کرد؛ حال آن که مردان می‌توانستند برای مدتی قبیله را ترک گویند، بدون آن که بقایشان به مخاطره افتد. به این ترتیب، زنان بیشتر به اشتغال در امور معمول روزانه، و هرچند موکدتر رانده شدند. از نظر وی، زندگی زنان نباید نسبت به زندگی مردان در رتبه دوم اهمیت باشد و جامعه صنعتی مدرن باید آنان را برای شکوفا کردن نقش‌های جنسیتی‌شان آزاد بگذارد (دیلینی، ۱۳۸۷: ۳۱۰).

بوردیو^۲

بوردیو نظریه‌پرداز دیگری است که کار خود را در باره طبقه‌بندی جنسیتی با یک سؤال آغاز می‌کند: «چرا نظم نمادین جهانی، به گونه‌ای گسترده از سوی همه؛ حتی کسانی که با این نظم از پیشرفت بازمانده‌اند، پذیرفته می‌شود؟» بوردیو حوزه جنسیتی را حوزه‌ای می‌داند که در آن زنان، فرودستی خود را در مقایسه با فرادستی مردان پذیرفته‌اند. جهان اجتماعی نیز به صورت سلسله مراتبی از طبقات برتر فرادست مردان و طبقات فروتر زنان شکل می‌گیرد که در آن کار مردان همواره باعث توسعه و دگرگونی می‌شود؛ اما کار زنان تکراری و عادی قلمداد می‌شود.

بوردیو در این زمینه از خشونت نمادین^۳ نام می‌برد. بوردیو و پاسرون با برساختن نظریه خشونت نمادین می‌کوشند فرایندهایی را به صورت نظری مشخص و معلوم کنند که از طریق آنها، در همه جوامع، نظم و منع اجتماعی

¹ Veblen

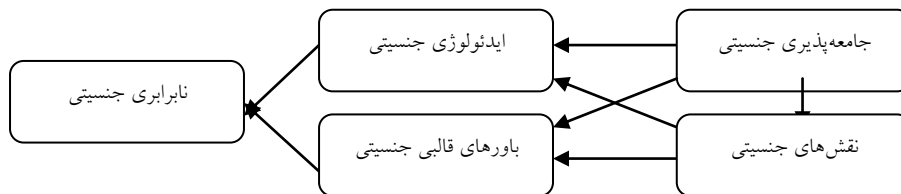
² bourdieu

³ Symbolic violence

از این سرمایه‌ها، موقعیت آنها را درون روابط بین زن و مرد آشکار می‌کند.

بوردیو می‌گوید: مجموعه این سرمایه‌ها و دسترسی کنشگران به آنها، طبقه و موقعیت فرد را مشخص می‌کند. اگر قشر بندی جنسیتی را درون خانواده‌ها وارد کنیم، میزان سهم‌بری زوجین

مدل پژوهش: فرایند شکل‌گیری نابرابری جنسیتی



آن افزوده شد. از همان ابتدای کار، طی انجام استخراج داده‌ها، پایایی و روایی آن همواره سنجیده می‌شد؛ برای مثال، علاوه بر خود پژوهشگر، کدنامه توسط افراد دیگر آزمون می‌شد که آنها نیز نتایج مشابه به دست می‌آوردند.

بنا به نظر کریپندورف تحلیل محتوا تکنیکی پژوهشی است برای استنباط^۱ تکرارپذیر^۲ و معتبر^۳ از داده‌ها در مورد متن^۴ آنها. تحلیل محتوا فقط ابزار است و بس و از هر ابزار علمی انتظار می‌رود که پایا^۵ باشد. به عبارت دیگر، هنگامی که پژوهشگران دیگر در زمان‌های دیگر و احتمالاً در شرایط و اوضاع و احوالی دیگر همان تکنیک را در مورد همان داده‌ها به کار برند، باید همان نتایج به دست آید. این شرط برخورداری تحلیل محتوا از تکرارپذیری است (کریپندورف، ۱۳۸۸: ۲۵-۲۶).

تحلیل محتوا که به آن تحلیل گفتمان نیز گفته شده، روشی است که براساس آن می‌توان ویژگی‌های زبانی یک متن گفته یا نوشته شده را به طور واقع‌بینانه، عینی و منظم شناخت و نیز درباره مسائل غیرزبانی، همچون: ویژگی‌های فردی و اجتماعی گوینده یا نویسنده متن و نظرها و گرایش‌های وی استنتاج‌هایی نمود. منظور از متن یا محتوا،

در این مدل که با استفاده از آرای چافتز و بوردیو ایجاد شده‌است، جامعه‌پذیری جنسیتی به عنوان متغیری مهم و مستقل در نظر گرفته شده است که بر روی ایدئولوژی و باورهای قالبی و نقش‌های جنسیتی تأثیر می‌گذارد. همچنین، نقش‌هایی که افراد در زندگی اجتماعی خود بر عهده می‌گیرند، باعث ایجاد ایدئولوژی و باورهای قالبی جنسیتی می‌شود. در همان ابتدای تولد که افراد نقش دختر بودن و پسر بودن را کسب می‌کنند، با دو دنیای صورتی و آبی مواجه می‌شوند، که دنیای صورتی مختص دختران است و دنیای آبی به پسران اختصاص دارد. پس از همان ابتدای تولد نقش‌های جنسیتی، باورهای قالبی جنسیتی را بازتولید می‌کنند. روابط میان این متغیرها باعث شکل‌گیری فرایند نابرابری جنسیتی در میان سطوح مختلف جامعه می‌شود.

روش پژوهش

با توجه به اهمیت موضوع پژوهش، از روش تحلیل محتوا برای تجزیه و تحلیل داده‌ها استفاده شده‌است و ابزاری که برای جمع‌آوری داده‌ها به کار رفته، کدنامه‌ای است که توسط پژوهشگران ساخته شده است. پس از جمع‌آوری داده‌ها از طریق نرم‌افزار spss داده‌ها برای تجزیه و تحلیل نهایی آماده شده‌اند. کدنامه اولیه توسط اساتید صاحب‌نظر بازبینی شد و چک لیست اولیه مورد آزمون ابتدایی قرار گرفت و نکاتی به

¹ Inference

² Replicable

³ Valid

⁴ Context

⁵ Reliable

یافته‌های پژوهش

جامعه آماری مورد بررسی، کتاب‌های درسی ایران (فارسی بخوانیم، فارسی بنویسیم، ریاضی، علوم تجربی، آموزش قرآن، هدیه‌های آسمانی، کتاب کار هدیه‌های آسمانی، تعلیمات اجتماعی، عربی، تاریخ، جغرافیا، حرفه و فن، فارسی، انگلیسی و دینی) و کتاب‌های درسی سوریه (العربیة لغتی کتاب التلمیذ^۳، العربیة لغتی کتاب المعلم^۴، التریبه الدینیة المسیحیة المعلم^۵، الدراسات الاجتماعیة کتاب المعلم^۶، التریبه الموسیقیة الموسیقیة دفتر التلمیذ^۷ و التریبه الدینیة الاسلامیة کتاب التلمیذ^۸) است که جمعاً از میان ۲۱ کتاب درسی ۱۱۰۴ تصویر، ۲۰۷۵ داده به دست آمد که حدود ۷۵ درصد از داده‌ها مربوط به کشور ایران و حدود ۲۵ درصد از داده‌ها مربوط به کشور سوریه است. جنس مذکر حدود ۶۰ درصد از تصاویر را به خود اختصاص داده است و حدود ۴۰ درصد از تصاویر نیز به جنس مؤنث مربوط است. با توجه به سؤال‌ها و عنوان پژوهش، به تجزیه داده‌های به دست آمده پرداخته‌ایم که در قالب هفت جدول به نمایش درآمده‌اند.

کلیه ساخت‌ها از علایم گوناگون (زبانی، موسیقایی، تصویری؛ حتی جسمی مانند مجسمه‌ای) است که از طریق آن ارتباط برقرار می‌شود (ضیغمی و دیگران، ۱۳۸۷: ۴۳). تحلیل محتوا روشی مناسب برای پاسخ دادن به سؤال‌هایی درباره محتوای یک پیام است (سرمد و دیگران، ۱۳۸۵: ۱۳۲).

حال با توجه به اهمیت نقش کتاب‌های درسی که در فرایند جامعه‌پذیر کردن افراد سهمی بسزا دارد، این پژوهش صرفاً با پیام‌هایی که در راستای بازتولید نقش‌های جنسیتی در تصاویر کتاب‌های درسی موجود است، سر و کار دارد. در این پژوهش، افرادی که درون تصویر وجود داشتند، به عنوان واحد تحلیل انتخاب شدند. در بعضی تصاویر، جمعی از افراد حضور داشتند (مانند کلاس درس) که تک تک آنها بررسی شدند. این مقاله با بررسی ۲۰۷۵ داده مندرج در ۱۱۰۴ تصویری که در کتاب‌های درسی ایران^۱ و سوریه^۲ موجود بود، سعی دارد با استفاده از تکنیک تحلیل محتوا به تجزیه و تحلیل داده‌ها بپردازد.

در کشور ایران کتاب‌های درسی در دو مقطع تحصیلی دبستان (اول، دوم، سوم، چهارم و پنجم) و راهنمایی (اول، دوم و سوم) و در کشور سوریه کتاب‌های درسی (اول و دوم و سوم و چهارم دبستان)، ۲۱ واحد نمونه‌گیری این مقاله را تشکیل می‌دهند که از روش سرشماری به دست آمده‌اند. کتاب‌ها از طریق اینترنت و در سایت‌های آموزشی وزارت آموزش و پرورش دانلود شده‌اند؛ ولی در مورد سوریه به علت محدودیت دسترسی به تمامی کتاب‌های درسی‌اش و همچنین، تفاوت داشتن سال‌های آموزش در مقاطع مختلف تحصیلی‌اش با ایران، تنها پایه‌های تحصیلی اول، دوم، سوم و چهارم دبستان‌اش انتخاب شدند.

^۳ عربی من کتاب دانش‌آموز

^۴ عربی من کتاب معلم

^۵ آموزش دین مسیحی برای معلم

^۶ تعلیمات اجتماعی کتاب معلم

^۷ آموزش موسیقی دفتر دانش‌آموز

^۸ آموزش دین اسلام کتاب دانش‌آموز

^۱ کتاب‌های درسی ایران که در این تحقیق استفاده شده است، مربوط به سال انتشار ۸۸-۱۳۸۷ است و تا پایان سال تحصیلی ۱۳۹۰ هیچ تغییری نیافته است.

^۲ کتاب‌های درسی سوریه که در این تحقیق استفاده شده است، مربوط به سال انتشار ۲۰۱۱-۲۰۱۰ میلادی و ۱۴۳۱ قمری است.

جدول ۱- فراوانی سن و جنس به تفکیک کشورها

کشور	جنس	آماره	سن		جمع کل	
			کودک و نوجوان	جوان و میانسال		
ایران	مذکر	فراوانی	۵۴۲	۳۲۰	۹۱۷	
		درصد	۵۹,۱۰	۳۴,۸۹	۵۸,۵۱	
	مؤنث	فراوانی	۴۲۲	۲۰۳	۶۵۰	
		درصد	۶۴,۹۲	۳۱,۲۳	۴۱,۴۸	
	جمع	فراوانی	۹۶۴	۵۲۳	۱۵۶۷	
		درصد	۶۱,۵۱	۳۳,۳۷	۷۵,۵۱	
	سوریه	مذکر	فراوانی	۱۷۱	۱۳۹	۳۲۷
			درصد	۵۲,۲۹	۴۲,۵۰	۶۴,۳۷
مؤنث		فراوانی	۹۵	۷۸	۱۸۱	
		درصد	۵۲,۴۸	۴۳,۰۹	۳۵,۶۲	
جمع		فراوانی	۲۶۶	۲۱۷	۵۰۸	
		درصد	۵۲,۳۶	۴۲,۷۱	۴۹,۹۲	
جمع کل		فراوانی	۱۲۳۰	۷۴۰	۲۰۷۵	
		درصد	۵۹,۲۷	۳۵,۶۶	۵,۰۶	

جنس مذکر در هر دو کشور، به وضوح بیشتر از تصاویر مربوط به جنس مؤنث است. به طور کلی، مردان حدود ۶۰ درصد و زنان حدود ۴۰ درصد تصاویر را به خود اختصاص داده‌اند؛ اما همان‌طور که گفته شد، زنان بیشتر در نقش‌های کودکی مجسم شده‌اند و مردان در نقش‌های بزرگسالی به تصویر کشیده شده‌اند. نکته‌ای که نیز باید به آن توجه شود، این است که تشخیص سن افراد از روی تصاویر به طور دقیق امکان‌پذیر نبوده است؛ به همین علت، دسته‌بندی‌ای به ترتیب «کودک و نوجوان» و «جوان و میانسال» و «سالخورده» ایجاد شده است.

همان‌طور که در جدول ۱ مشاهده می‌شود، در کشور ایران ۹۱۷ واحد تحلیل مربوط به مردان است و ۶۵۰ واحد تحلیل مربوط به زنان، که در سه گروه سنی تقسیم شده‌اند. بر این اساس، زنان بیشتر در گروه سنی «کودک و نوجوان» به تصویر کشیده شده‌اند و در گروه‌های سنی دیگر؛ یعنی «جوان و میانسال» و «سالخورده‌گان» مردان نقش‌های بیشتری را به خود اختصاص داده‌اند؛ در حالی که در کشور سوریه ۳۲۷ واحد تحلیل مرد و ۱۸۱ واحد تحلیل زن بوده‌اند و هر دو جنس گروه‌های سنی مختلف نسبتاً با هم هماهنگ هستند و تفاوت زیادی میان آنها مشاهده نمی‌شود.

این نکته نیز حائز اهمیت است که تصاویر مربوط به

جدول ۲- فراوانی نسبی سن و جنس به تفکیک پایه تحصیلی در کشور ایران

پایه تحصیلی	جنس	سن			جمع کل	
		کودک و نوجوان	جوان و میانسال	سالخورده		
اول دبستان	مذکر	۴۳,۶۸	۴۹,۵۱	۶,۷۹	۹۹,۹۸	۶,۵۷
	مؤنث	۵۱,۸۰	۴۳,۳۷	۴,۸۱	۹۹,۹۸	۵,۲۹
دوم دبستان	مذکر	۵۶,۹۸	۳۲,۲۵	۱۰,۷۵	۹۹,۹۸	۵,۹۳
	مؤنث	۵۳,۵۳	۳۹,۴۳	۷,۰۴	۱۰۰,۰۰	۴,۵۳
سوم دبستان	مذکر	۵۷,۴۲	۳۴,۶۵	۷,۹۲	۹۹,۹۹	۶,۴۴
	مؤنث	۵۹,۳۰	۳۳,۷۲	۶,۹۷	۹۹,۹۹	۵,۴۸
چهارم دبستان	مذکر	۷۴,۲۸	۱۶,۱۹	۹,۵۲	۹۹,۹۹	۶,۷۰
	مؤنث	۸۱,۱۵	۱۳,۰۴	۵,۷۹	۹۹,۹۸	۴,۴۰
پنجم دبستان	مذکر	۶۶,۳۲	۳۰,۶۱	۳,۰۶	۹۹,۹۹	۶,۲۵
	مؤنث	۶۴,۰۰	۲۸,۰۰	۸,۰۹	۱۰۰,۰۹	۳,۱۹
اول راهنمایی	مذکر	۶۳,۳۷	۳۱,۳۹	۵,۲۳	۹۹,۹۹	۱۰,۹۷
	مؤنث	۶۷,۷۶	۳۰,۵۷	۱,۶۵	۹۹,۹۸	۷,۷۲
دوم راهنمایی	مذکر	۵۸,۷۸	۳۹,۱۸	۲,۰۲	۹۹,۹۸	۹,۴۴
	مؤنث	۷۱,۱۳	۲۸,۸۶	۰,۰۰	۹۹,۹۹	۶,۱۹
سوم راهنمایی	مذکر	۴۸,۴۵	۴۶,۳۹	۵,۱۵	۹۹,۹۹	۶,۱۹
	مؤنث	۶۹,۸۶	۳۰,۱۳	۰,۰۰	۹۹,۹۹	۴,۶۵
جمع کل		۶۱,۵۱	۳۳,۳۷	۵,۱۰	۹۹,۹۸	۱۰۰,۰۰

نسبت به وضوح به چشم دیده می‌شود. فقط در پایه تحصیلی دوم دبستان است که دو گروه سنی «جوان و میانسال» و «سالخوردگان» فراوانی زنان از فراوانی مردان بیشتر شده است و در بقیه موارد مردان بیشتر از زنان به تصویر کشیده شده‌اند. همان‌طور که ملاحظه می‌شود، گروه سنی «کودک و نوجوان» حدود ۶۲ درصد از موارد را به خود اختصاص داده است و بعد از آن، به ترتیب گروه‌های سنی «جوان و میانسال» و «سالخوردگان» قرار دارد. در همه پایه‌های تحصیلی مردان نقش‌های بیشتری را به خود اختصاص داده‌اند.

جدول (۲) توزیع فراوانی جنس و سن واحدهای تحلیل‌ها را بر حسب پایه‌های تحصیلی در کشور ایران نشان می‌دهد. همان‌طور که گفته شد، در ایران مقطع دبستان و مقطع راهنمایی بررسی شده‌اند. بیشترین تصاویر از پایه‌های تحصیلی اول راهنمایی و دوم راهنمایی و سوم و اول دبستان به‌دست آمده است.

در پایه‌های تحصیلی اول و سوم و چهارم دبستان و سه پایه تحصیلی مقطع راهنمایی، زنان بیشتر در سنین کودکی به تصویر کشیده شده‌اند؛ مخصوصاً در دوم و سوم راهنمایی این

جدول ۳- فراوانی نسبی سن و جنس به تفکیک پایه تحصیلی در کشور سوریه

پایه تحصیلی	جنس	سن			جمع کل
		کودک و نوجوان	جوان و میانسال	سالخورده	
اول دبستان	مذکر	۴۵,۱۳	۴۶,۰۱	۸,۸۴	۹۹,۹۸
	مؤنث	۵۴,۴۱	۳۸,۲۳	۷,۳۵	۹۹,۹۹
دوم دبستان	مذکر	۵۳,۷۵	۴۳,۷۵	۲,۵۰۰	۱۰۰,۰۰
	مؤنث	۴۸,۸۳	۵۱,۱۶	۰,۰۰	۹۹,۹۹
سوم دبستان	مذکر	۶۲,۶۶	۳۶,۰۰	۱,۳۳	۹۹,۹۹
	مؤنث	۵۸,۹۷	۳۸,۴۶	۲,۵۶	۹۹,۹۹
چهارم دبستان	مذکر	۵۰,۸۴	۴۲,۳۷	۶,۷۷	۹۹,۹۸
	مؤنث	۴۵,۱۶	۴۸,۳۸	۶,۴۵	۹۹,۹۹
جمع کل		۵۲,۳۶	۴۲,۷۱	۴,۹۲	۹۹,۹۸

در گروه سنی «جوان و میانسال» این زنان هستند که در سه پایه تحصیلی دوم و سوم و چهارم دبستان بیشتر از مردان به تصویر کشیده شده‌اند و در گروه سنی «سالخورده‌گان» تفاوت زیادی بین دو جنس وجود ندارد.

در مقایسه با کشور ایران می‌توان گفت که در کشور سوریه بیشتر تصاویر در دو گروه سنی «کودک و نوجوان» و «جوان و میانسال» توزیع شده است؛ ولی در کشور ایران به نسبت قابل توجهی گروه سنی «کودک و نوجوان» در تصاویر دیده می‌شود.

جدول (۳) توزیع فراوانی جنس و سن واحدهای تحلیل را به تفکیک پایه‌های تحصیلی کشور سوریه نشان می‌دهد. در کشور سوریه چهار پایه تحصیلی اول و دوم و سوم و چهارم دبستان بررسی شده‌اند که بیشتر تصاویر در پایه تحصیلی اول دبستان موجود است. در کشور سوریه فقط در پایه اول دبستان است که تعداد زنان از تعداد مردان در گروه سنی «کودک و نوجوان» بیشتر است و در بقیه موارد، مردان بیشتر در سنین کودکی به نمایش درآمده‌اند، که با کشور ایران تفاوت دارد.

جدول ۴- توزیع فراوانی نسبی سن و جنس به تفکیک کتاب‌های درسی ایران

کتاب درسی	جنس	سن			جمع
		کودک و نوجوان	جوان و میانسال	سالخورده	
فارسی بخوانیم	مذکر	۴۹,۷۴	۳۹,۳۷	۱۰,۸۸	۱۲,۳۱
	مؤنث	۵۱,۶۱	۴۱,۹۳	۶,۴۵	۷,۹۱
فارسی بنویسیم	مذکر	۵۰,۰۰	۴۳,۷۵	۶,۲۵	۲,۰۴
	مؤنث	۴۷,۳۶	۵۲,۶۳	۰,۰۰	۱,۲۱
ریاضی	مذکر	۶۵,۴۵	۳۰,۹۰	۳,۶۳	۳,۵۰
	مؤنث	۷۴,۵۰	۲۳,۵۲	۱,۹۶	۳,۲۵
علوم تجربی	مذکر	۷۸,۳۷	۲۰,۲۷	۱,۳۵	۴,۷۲
	مؤنث	۸۸,۱۳	۱۰,۱۶	۱,۶۹	۳,۷۶
آموزش قرآن	مذکر	۶۵,۲۱	۳۰,۴۳	۴,۳۴	۴,۴۰
	مؤنث	۶۳,۱۵	۳۱,۵۷	۵,۲۶	۳,۶۳
هدیه‌های آسمانی	مذکر	۶۴,۰۰	۲۵,۳۳	۱۰,۶۶	۴,۷۸
	مؤنث	۶۹,۸۱	۲۰,۷۵	۹,۴۳	۳,۳۸
کتاب کار هدیه‌های آسمانی	مذکر	۷۰,۰۰	۳۰,۰۰	۰,۰۰	۰,۶۳
	مؤنث	۶۳,۶۳	۲۷,۲۷	۹,۰۹	۰,۷۰
تعلیمات اجتماعی	مذکر	۴۷,۱۹	۴۳,۸۲	۸,۹۸	۵,۶۷
	مؤنث	۵۶,۵۲	۳۴,۷۸	۸,۶۹	۴,۴۰
عربی	مذکر	۴۹,۵۳	۴۷,۶۶	۲,۸۰	۶,۸۲
	مؤنث	۵۳,۱۲	۴۶,۸۷	۰,۰۰	۴,۰۸
تاریخ	مذکر	-	۱۰۰,۰۰	-	۰,۱۹
	مؤنث	-	۱۰۰,۰۰	-	۰,۰۶
حرفه‌فن	مذکر	۸۰,۰۰	۱۸,۷۵	۱,۲۵	۵,۱۰
	مؤنث	۹۰,۰۰	۱۰,۰۰	۰,۰۰	۴,۴۶
جغرافیا	مذکر	۱۰۰,۰۰	۰,۰۰	-	۰,۳۱
	مؤنث	۷۵,۰۰	۲۵,۰۰	-	۰,۲۵
فارسی	مذکر	۲۱,۴۲	۳۵,۷۱	۴۲,۸۵	۰,۸۹
	مؤنث	۰,۰۰	۱۰۰,۰۰	۰,۰۰	۰,۱۹
انگلیسی	مذکر	۶۲,۸۵	۳۷,۱۴	-	۶,۷۰
	مؤنث	۶۱,۵۳	۳۸,۴۶	-	۴,۱۴
دینی	مذکر	۵۰,۰۰	۵۰,۰۰	-	۰,۳۸
	مؤنث	-	-	-	-
جمع کل		۶۱,۵۱	۳۳,۳۷	۵,۱۰	۱۰۰,۰۰

فن مندرج است. همان‌طور که ملاحظه می‌شود، در کتاب‌های فارسی بخوانیم، ریاضی و علوم تجربی و هدیه‌های آسمانی و تعلیمات اجتماعی، عربی و حرفه‌فن، زنان بیشتر از مردان در

جدول (۴) فراوانی جنس و سن را به تفکیک کتاب‌های درسی ایران نشان می‌دهد. بیشترین داده‌ها در کتاب‌های فارسی بخوانیم، عربی، انگلیسی، تعلیمات اجتماعی و حرفه و

نقش‌های کودکی به تصویر کشیده شده‌اند.

مردان گروه سنی «جوان و میانسال» در کتاب‌های ریاضی، علوم تجربی، هدیه‌های آسمانی، کتاب کار هدیه‌های آسمانی، تعلیمات اجتماعی، عربی، تاریخ، حرفه و فن و دینی بیشتر از زنان هستند و در گروه سنی آخر؛ یعنی «سالخوردگان» کتاب‌های فارسی بخوانیم و فارسی بنویسیم و

ریاضی و هدیه‌های آسمانی و تعلیمات اجتماعی و عربی و حرفه و فن و فارسی مردان بیشتر از زنان هستند. نکته قابل توجه در این است که در کتاب دینی فرد مؤنثی اصلاً وجود ندارد و در کتاب تاریخ همه نقش‌ها در گروه سنی «جوان و میانسال» به تصویر کشیده شده‌اند.

جدول ۵- توزیع فراوانی نسبی جنس و سن به تفکیک کتاب‌های درسی سوریه

کتاب درسی	جنس	سن			جمع کل	
		کودک و نوجوان	جوان و میانسال	سالخورده		
العربیة لغتی کتاب التلمیذ	مذکر	۵۴,۳۴	۳۸,۷۵	۶,۸۷	۹۹,۹۶	۳۱,۴۹
(پایه‌های اول تا چهارم)	مؤنث	۴۷,۸۷	۴۷,۸۷	۴,۲۵	۹۹,۹۹	۱۸,۵۰
العربیة لغتی کتاب المعلم	مذکر	۱۰۰,۰۰	۰,۰۰	-	۱۰۰,۰۰	۰,۳۹
(پایه‌های اول تا چهارم)	مؤنث	۵۰,۰۰	۵۰,۰۰	-	۱۰۰,۰۰	۰,۳۹
التربیة المسیحیة کتاب المعلم	مذکر	۵۳,۳۲	۴۰,۰۰	۶,۶۶	۹۹,۹۸	۵,۹۰
(پایه‌های اول تا چهارم)	مؤنث	۶۰,۰۰	۳۲,۰۰	۸,۰۰	۱۰۰,۰۰	۴,۹۲
الدراسات الاجتماعیة کتاب المعلم	مذکر	۳۲,۸۵	۶۴,۲۸	۲,۸۵	۹۹,۹۸	۱۳,۷۷
(پایه‌های اول تا چهارم)	مؤنث	۴۶,۸۷	۵۰,۰۰	۳,۱۲	۹۹,۹۹	۶,۲۹
التربیة الموسیقیة دفتر التلمیذ	مذکر	۸۲,۳۵	۱۷,۶۴	-	۹۹,۹۹	۳,۳۴
(پایه‌های اول تا چهارم)	مؤنث	۷۵,۰۰	۲۵,۰۰	-	۱۰۰,۰۰	۳,۱۴
التربیة الدینیة الاسلامیة کتاب التلمیذ	مذکر	۶۰,۴۱	۳۵,۴۱	۴,۱۶	۹۹,۹۸	۹,۴۴
(پایه‌های اول تا چهارم)	مؤنث	۵۸,۳۳	۳۳,۳۳	۸,۳۲	۹۹,۹۷	۲,۳۶
جمع کل		۵۲,۳۶	۴۲,۷۱	۴,۹۲	۹۹,۹۹	۱۰۰,۰۰

لغتی کتاب التلمیذ و العربیة لغتی کتاب المعلم و التربیة الموسیقیة دفتر التلمیذ، زنان بیشتر از مردان هستند و در سه کتاب التربیة المسیحیة کتاب المعلم و الدراسات الاجتماعیة و التربیة الدینیة الاسلامیة، مردان بیشتر از زنان هستند و نسبتاً در توزیع جنسیت افراد در گروه‌های مختلف سنی، هماهنگی وجود داد.

جدول (۵) فراوانی جنس و سن را به تفکیک کتاب‌های درسی سوریه نشان می‌دهد. همان‌طور که ملاحظه می‌شود، کتاب العربیة لغتی کتاب التلمیذ بیشترین داده‌های تحلیل را به خود اختصاص داده است. تنها در دو کتاب التربیة المسیحیة کتاب المعلم و الدراسات الاجتماعیة کتاب المعلم، زنان در گروه سنی «کودک و نوجوان» بیشتر از مردان به تصویر کشیده شده‌اند و در گروه سنی «جوان و میانسال» سه کتاب العربیة

جدول ۶- فراوانی نسبی شغل در تصاویر کتاب‌های درسی ایران به تفکیک دو جنس

شغل	جنس		جمع
	مرد	زن	
مشخص نیست	۳۲۶	۱۷۹	۵۰۵
	۶۴,۵۵	۳۵,۴۵	۱۰۰,۰۰
دانش آموز	۲۳۰	۲۳۰	۴۶۰
	۵۰,۰۰	۵۰,۰۰	۱۰۰,۰۰
فرزند	۵۹	۶۱	۱۲۰
	۴۹,۱۶	۵۰,۸۴	۱۰۰,۰۰
مادر	۰	۷۸	۷۸
	۰,۰۰	۱۰۰,۰۰	۱۰۰,۰۰
پدر	۵۳	۰	۵۳
	۱۰۰,۰۰	۰,۰۰	۱۰۰,۰۰
معلم	۲۷	۳۲	۵۹
	۴۵,۷۶	۵۴,۲۴	۱۰۰,۰۰
نمازگزار	۱۴	۱۶	۳۰
	۴۶,۶۶	۵۳,۳۴	۱۰۰,۰۰
جنگنده	۳۰	۱	۳۱
	۹۶,۷۷	۳,۲۳	۱۰۰,۰۰
پزشک	۱۲	۴	۱۶
	۷۵,۰۰	۲۵,۰۰	۱۰۰,۰۰
مادربزرگ	۰	۱۵	۱۵
	۰,۰۰	۱۰۰,۰۰	۱۰۰,۰۰
پدربزرگ	۱۴	۰	۱۴
	۱۰۰	۰,۰۰	۱۰۰,۰۰
سایر	۱۵۱	۳۴	۱۸۵
	۸۱,۶۲	۱۸,۳۸	۱۰۰,۰۰
جمع	۹۱۷	۶۵۰	۱۵۶۷
	۵۸,۵۱	۴۱,۴۹	۱۰۰,۰۰

پررنگ‌تر است. در نقش‌های جنگنده و پزشک نیز مردان بیشتر حضور دارند. سایر مشاغل که در جدول نام برد نشده، عبارت است از: بقال، نانوا، مدیر، نجار، پستچی، میوه‌فروش، گلفروش، کفاش، خریدار، موذن، متصدی هتل و باغ‌وحش و قطار، کشاورز، رفته‌گر، پلیس، بیمار، نقاش ساختمان، خیاط، کوهنورد، باغبان، کارگر، مسافر، فروشنده، خاله، چوپان، اپراتور، دانشمند، بازیگر، شخصیت معروف، دامدار، کارمند، معدنچی، باستان‌شناس، داور، تماشاچی، نقاش، پرستار، مهندس، کارگردان، قالب‌باف، عکاس، خلبان، فیلمبردار،

جدول (۶) به معرفی مشاغل موجود در تصاویر کتاب‌های درسی ایران به تفکیک دو جنس می‌پردازد، که برای بهتر نشان دادن آن درصدهای آن نیز محاسبه شده است. از میان ۱۵۶۷ داده ۹۱۷ نفر مرد و ۶۵۰ نفر زن هستند. به غیر از ۵۰۵ داده‌ای که در آن شغل افراد مشخص نیست، بیشترین داده‌ها به نقش «دانش‌آموز» اختصاص دارد که در هر دو جنس مساوی است.

در نقش فرزندی، افراد مؤنث بیشتر وجود دارند و نقش مادر و مادربزرگ نسبت به نقش پدر و پدربزرگ بسیار

به دوش مردان در بیرون از خانه هم به فعالیت می‌پردازند و بیشتر از مردان با تداخل نقشی رو به رو هستند. البته امروزه تحول عظیمی را نیز در به کارگیری نقش‌های جنسیتی شاهد هستیم؛ مخصوصاً با وقوع جنگ جهانی دوم و روند صنعتی شدن کشورها، که حتی استخدام زنان، یکی از نشانه‌های توسعه محسوب می‌شود. هرچند هنوز در نوع به‌کارگیری زنان، حقوق و درآمدشان (قشربندی جنسیتی)، نابرابری‌هایی به چشم می‌خورد؛ اما همین امر باعث شد که زنان علاوه بر قلمرو خانگی خود پا به عرصه اجتماعی نیز بگذارند. در واقع، زنان از حوزه خصوصی به حوزه عمومی قدم گذاشته‌اند؛ ولی مشکل آنها در برقراری توازن و تعادل در این دو حوزه، باعث تعارضاتی در زندگی آنها شده است.

آرایشگر، قناد، بنا، سوارکار، کتابفروش، دندانپزشک، ماهی‌فروش، پیش‌نماز مسجد، سفالگر، آهنگر، آتش‌نشان، ورزشکار. تنها بعضی از مشاغل، همچون: خاله، اپراتور، خیاط و قالی‌باف اختصاص به زنان دارد و بقیه مشاغل را مردان عهده‌دار هستند.

هنوز در ایران مردان از لحاظ اقتصادی مسؤول هستند. بار تکلیفی که بر دوش مردان است، آنان را به کار در دو یا سه نوبت کاری وادار می‌کند. به این ترتیب، مردان و پدران در خانواده به ابزار اقتصادی و تأمین‌کننده مخارج، و زنان و کودکان به مصرف‌کننده تبدیل می‌شوند (اعزازی، ۱۳۹۰: ۳۱).
با تسریع روند صنعتی شدن، زنان هرچه بیشتر از نقش‌های سنتی خود (همسری، مادری) جدا شده‌اند و دوش

جدول ۷- فراوانی نسبی شغل در تصاویر کتاب‌های درسی سوریه به تفکیک دو جنس

شغل	جنس		جمع
	مرد	زن	
مشخص نیست	۱۲۴	۶۰	۱۸۴
	۶۷,۴۰	۳۲,۶۰	۱۰۰,۰۰
دانش آموز	۳۴	۲۴	۵۸
	۵۸,۶۲	۴۱,۳۸	۱۰۰,۰۰
فرزند	۳۰	۲۸	۵۸
	۵۱,۷۲	۴۸,۲۸	۱۰۰,۰۰
مادر	۰	۲۹	۲۹
	۰,۰۰	۱۰۰,۰۰	۱۰۰,۰۰
پدر	۲۳	۰	۲۳
	۱۰۰,۰۰	۰,۰۰	۰,۰۰
معلم	۵	۸	۱۳
	۳۸,۴۶	۶۱,۵۴	۱۰۰,۰۰
خریدار	۱۴	۷	۲۱
	۶۶,۶۶	۳۳,۳۳	۱۰۰,۰۰
مسافر	۱۰	۳	۱۳
	۷۶,۹۲	۲۳,۰۸	۱۰۰,۰۰
سایر	۸۷	۱۵۹	۲۴۶
	۳۵,۳۷	۶۴,۶۳	۱۰۰,۰۰
جمع	۳۲۷	۱۸۱	۵۰۸
	۶۴,۳۷	۳۵,۶۳	۱۰۰,۰۰

جامعه‌پذیری سیاسی، کتاب‌های درسی است. بچه‌ها از طریق کتاب با جهان خارج و محیط بیرونی بیشتر آشنا می‌شوند. آنها یاد می‌گیرند که دیگران چگونه عمل می‌کنند، سخن می‌گویند و احساس می‌کنند. آنها درست و نادرست را می‌آموزند و می‌فهمند که از آنها چه انتظاری می‌رود. به‌طور کلی، کتاب‌ها کودکان را با نقش‌هایی که قرار است در آینده ایفا کنند، آشنا می‌کنند. کتاب‌ها ارزش‌های فرهنگی را بازتاب می‌دهند و ابزار مهمی برای ترغیب کودکان به پذیرش این ارزش‌ها هستند. همچنین کتاب‌ها شامل انتظارات نقشی هستند که کودک را تشویق می‌کنند تا رفتارهای بهنجار و پذیرفته شده را بروز دهند. (Weitzman, 1972: 1126)

به نظر می‌رسد که هنجارهای جنسیتی در ایران دچار تغییرات فراوان شده‌اند. تغییر نگرش جنسیتی در میان جوانان، بیشتر از سایر گروه‌ها به چشم می‌خورد. نگاهی به کارگزاران جامعه‌پذیری، نشان می‌دهد که هرچند هنوز در مدارس و رسانه‌ها، نگرشی مبتنی بر کلیشه‌های جنسیتی ارائه می‌شود؛ اما دختران و پسران جوان اعتقاد چندانی به نابرابری میان زن و مرد ندارند. احتمالاً تغییرات نگرشی بیشتر ناشی از آشنایی با سایر هنجارهای سایر فرهنگ‌ها و همچنین تلاش و کوششی است که دختران، به‌ویژه در عرصه تحصیلات و همچنین، از لحاظ عهده‌دار شدن وظایف خانگی و اجتماعی از خود نشان می‌دهند. با وجود این، هنوز نمی‌توان مطمئن بود که این تغییرات نگرشی، در رفتار نیز دیده شود (اعزازی، ۱۳۹۰: ۹۲-۹۳). در نظریات بلومبرگ نیز ما شاهد این امر بودیم که زنان با به دست آوردن کنترل قدرت مادی می‌توانند خود را در عرصه‌های دیگر زندگی از فرودستی به فرادستی حرکت دهند.

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که تصاویر مربوط به جنس مذکر به وضوح خیلی بیشتر از جنس مؤنث است؛ در واقع، حدود ۶۰ درصد از داده‌های پژوهش متعلق به جنس مذکر و حدود ۴۰ درصد از آنها متعلق به جنس مؤنث است.

جدول (۷) مشاغل موجود در تصاویر کتاب‌های درسی سوریه را به تفکیک دو جنس نشان می‌دهد. از میان ۵۰۸ داده مربوط به کشور سوریه، ۱۸۱ داده مربوط به زنان و ۳۲۷ داده مربوط به مردان است؛ به غیر از ۱۸۴ داده‌ای که شغل آنها مشخص نیست. دانش‌آموز و فرزند نقش‌هایی هستند که بیشترین داده‌ها را به خود اختصاص داده‌اند.

سایر مشاغل که در جدول ذکر نشده، عبارتند از: منشی، دوچرخه سوار، رقصنده، گارسن، موزیسین، قصاب، چشم پزشکی، کارمند، شخصیت معروف، چوپان، فروشنده، کارگر، باغبان، ماهی فروش، دندانپزشک، سوارکار، قالی‌باف، پرستار، نقاش، خیاط، بیمار، پلیس، رفتگر، کشاورز، میوه‌فروش، سرباز، نجار، مدیر، نانوا، ورزشکار، مادر بزرگ، آتش‌نشان، پزشک، آهنگر، پدر بزرگ و پیشنماز مسجد. در کشور سوریه تنها مشاغل منشی و پرستار به زنان اختصاص دارد.

نتیجه‌گیری

در این مقاله با استفاده از تکنیک تحلیل محتوا به بررسی بازتولید نقش‌های جنسیتی در تصاویر کتاب‌های درسی دو کشور ایران و سوریه پرداخته شده است. یکی از اصلی‌ترین وظایف آموزش و پرورش انتقال اطلاعاتی است که افراد برای بهتر زیستن به آن نیاز دارند. علاوه بر آموزش افراد، به پرورش آنها نیز اهمیت داده می‌شود. در واقع، نظام آموزشی به مثابه دستگاهی عمل می‌کند که آدمیان بیولوژیک را به سوژه‌های اجتماعی بدل می‌کند.

نظام آموزشی ایران به دلیل آن‌که می‌خواهد از طریق کتب، در کمترین زمان با ارائه محتوا به سیستمی متحدالشکل در سراسر کشور دست یابد، تأکید بسیاری بر روی آن دارد. در واقع، از آنجا که نظام آموزش و پرورش کشور ایران در مورد محتوای برنامه‌های درسی موضوع مدار و کتاب محور است، کتاب‌های درسی در این نظام آموزشی نقش برجسته‌ای به عهده دارند (میرآشتیانی، ۱۳۸۵: ۷۰).

در همه جوامع، یکی از ابزارهای مدارس برای

نقش‌های خانوادگی مثل فرزند، پدر بودن و مادر بودن و مادر بزرگ و پدر بزرگ نسبتاً متعادل است؛ با وجود این، نقش مادر، همان‌طور که گفته شد، پررنگ‌تر از بقیه به چشم می‌خورد.

تعداد و تنوع مشاغل در تصاویر بسیار زیاد است؛ ولی مشاغل زنانه نسبت به مشاغل مردانه بسیار کمتر دیده می‌شود و انتساب زن به نقش‌های خاص و کلیشه‌ای، چون: مادر و معلم و پرستار محدود شده است. نقش‌های خانه‌داری کاملاً بر عهده زنان است؛ در حالی که مردان در مشاغلی که بیرون از خانه قرار دارند، به تصویر کشیده شده‌اند. اگر چه به نظر می‌رسد در سال‌های اخیر حرکتی به سمت برابری جنسیتی صورت گرفته است؛ اما هنوز این نابرابری به چشم می‌خورد.

به طور کلی، بر اساس یافته‌های این پژوهش می‌توانیم نتیجه بگیریم که کاستن از نقش زنان تا مرز خانه‌داری و مادر بودن، در گذشته خیلی بیشتر به چشم می‌خورد؛ ولی با تغییراتی که در کتب درسی صورت گرفته است تعادل بیشتری بین دو جنس برقرار شده است؛ اما همچنان مردان در مشاغل سخت‌تر و بیرون از خانه حضور دارند و در سنین جوانی دیده می‌شوند و زنان در مشاغل خدماتی ساده و مشاغل خانگی مجسم شده‌اند.

همان‌طور که دیده می‌شود، نتایجی که به دست آمده، با سایر پژوهش‌های مشابهی که در پیشینه پژوهش از آنها نام برده شده، همسوست (افشانی، شیخاوندی، سیف‌اللهی، ابراهیمی، هاشمی، شهرآرای، فروتن و قاسمی)؛ اما تفاوتی که پژوهش حاضر با سایر پژوهش‌هایی که از آنها نام برده شد دارد، مقایسه‌ای است که با کتب درسی یک کشور دیگر شده است. تصاویر مورد بررسی این پژوهش با جهت‌گیری فرهنگی نظام سیاسی کشور ایران و سوریه هماهنگ است و تمامی تصاویر با حفظ موازین و اصول کلی کشورهاست؛ ولی با مشاهده در سطح اجتماع و شکافی که بین فرهنگ رسمی و غیررسمی وجود دارد، به نظر می‌رسد بین سطح تولید پیام و مصرف پیام فاصله وجود دارد که این فاصله باید کم‌رنگ‌تر شود.

در صورتی که امروزه با موج عظیمی از زنان شاغل و تحصیل کرده در جامعه مواجه هستیم که با آنچه در کتاب‌های درسی ما وجود دارد، متفاوت است. کتاب‌های درسی زن را به صورتی نامرئی و بسیار کم‌رنگ در نقش‌های حاشیه‌ای نشان می‌دهد؛ در حالی که در طول تاریخ مذهبی^۶ ملی کشور ایران، زنان نقش‌های بسیار برجسته‌ای داشته‌اند که نویسندگان کتب درسی می‌توانند این موارد را به کتاب‌های درسی دانش‌آموزان اضافه کنند تا تصورات قالبی و کلیشه‌ای نقش زن که در کتاب‌های درسی موجود است کم‌رنگ شود و در نتیجه، فاصله و شکافی که در فکر و عمل دانش‌آموزان وجود دارد نیز به این طریق کاهش یابد. دختران محصل در رشته‌های پزشکی، مهندسی و ... می‌توانند تحصیل کنند؛ ولی وقتی تصویر همجنس خود را در کتاب درسی مشاهده می‌کنند، تصویری کم‌رنگ و حاشیه‌ای است و این موضوع در عزت نفس و میل به پیشرفت آنها دخیل است. در مسیر پیشرفت یک کشور، زنان نیمی از جمعیت را تشکیل می‌دهند؛ به همین علت، به حاشیه راندن آنها به مثابه این است که کشور را از مسیر توسعه دور نگه داریم.

داده‌ها بیانگر آن است که زنان بیشتر در سنین کودکی به تصویر کشیده شده‌اند و آنهایی هم که در سنین بالاتر نشان داده شده‌اند، غیر از نقش مادری، نقش‌هایی چون: پرستاری، معلمی و خیاطی و قالی‌بافی فقط به زنان اختصاص داشته است. در مقابل مشاغل بسیار زیادی (خدماتی، تخصصی، نظامی، حرفه‌ای و تولیدی) به مردان اختصاص داشته است که فقدان تعادل در محتوای تصاویر کتاب‌های درسی را نشان می‌دهد.

در معرفی نقش‌های پدر و مادری، داده‌ها بیانگر آن است که مادر بسیار پررنگ‌تر از پدر به تصویر کشیده شده است. «هر اندازه که در جامعه ایران بر اهمیت مادران تأکید می‌شود، به اهمیت نقش پدر در خانواده بی‌توجهی نشان داده می‌شود. نبود پدر در این خانواده‌ها در تربیت و الگوگیری فرزندان، اعم از دختر و پسر، تأثیر دارد (اعزازی، ۱۳۹۰: ۳۱)؛ ولی در

۱۷۶-۱۹۲.

جنکینز، ریچارد. (۱۳۸۵). پی‌یر بوردیو، ترجمه: لیلا جوافشانی و حسن چاووشیان، تهران: نشر نی.

دیلینی، تیم. (۱۳۸۷). نظریه‌های کلاسیک جامعه‌شناسی، ترجمه: بهرنگ صدیقی و وحید طلوعی، تهران: نشر نی.

رایف، دانیل؛ لسی، استفن؛ فیکو، فریدریک جی. (۱۳۸۱). تحلیل پیام‌های رسانه‌ای کاربرد تحلیل محتوای کمی در پژوهش، ترجمه: مهدخت بروجردی علوی، تهران: انتشارات سروش و مرکز تحقیقات، مطالعات و سنجش برنامه‌ای صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران.

ریتزر، جورج. (۱۳۸۵). نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی.

سرمد، زهره؛ بازرگان، عباس و حجازی، الهه. (۱۳۸۵). روش‌های پژوهش در علوم رفتاری، تهران: انتشارات آگاه، چاپ سیزدهم.

سیف‌اللهی، سیف‌الله و مریم ابراهیمی. (۱۳۸۷). «نقش و منزلت زن در کتاب‌های درس فارسی مدارس آموزش و پرورش ایران»، پژوهشنامه علوم اجتماعی، سال دوم، شماره اول، ۷۵-۴۹.

شیخاوندی، داور. (۱۳۸۵). «بازتاب هویت‌های جنسیتی در کتاب‌های تعلیمات اجتماعی آموزش ابتدایی و دوره راهنمایی تحصیلی»، فصلنامه تعلیم و تربیت، ش ۸۷، ص ۹۳-۱۲۰.

ضیغمی، رضا؛ باقری نسامی، معصومه؛ حق دوست اسکویی، سیده فاطمه و یادآور نیکروش، منصوره. (۱۳۸۷). «تحلیل محتوا»، فصلنامه پرستاری ایران، دوره بیست و یکم، ش ۵۳، ص ۴۱-۵۱.

فروتن، مسعود. (۱۳۸۹). «جامعه‌پذیری جنسیتی در کتاب‌های درسی مدارس ایران»، زن در توسعه و سیاست،

در تدوین کتب درسی توجه قابل ملاحظه‌ای به مقوله جنسیت نشده‌است و این امر باید در اولویت پژوهشی مدارس و نظام آموزشی ما قرار گیرد و بازنگری در محتوا و تصاویر کتب درسی باید صورت گیرد تا نسل‌های آینده به خوبی با نقش‌هایی که در آینده باید بر عهده بگیرند، آشنا شوند و به این ترتیب، مسیر پیشرفت کشور هموار شود. کتاب بهترین رسانه برای انتقال ارزش‌های اجتماعی و اخلاقی برای هر فردی است و با ایجاد تعادل بین دو نقش مذکور زنان از محیط‌های اندرونی به محیط‌های بیرونی کشیده می‌شوند و از نیرویی که آنها دارند می‌توان در راه ترقی کشور استفاده کرد و همین موضوع ضرورت بررسی و بازنگری کتب درسی را نشان می‌دهد.

در نهایت، لازم است توجه شود که پژوهش به انجام رسیده با برخی از محدودیت‌ها مواجه بوده است که یکی از مهم‌ترین آنها، عدم دسترسی پژوهشگر به محیط‌های آموزشی در کشور سوریه بود. تحلیل محتوای کتاب‌های درسی هر چند گام مهمی در شناخت تطبیقی کشورهای اسلامی از ابعاد مختلف است؛ اما ضرورت دارد تفسیرهای انجام شده بر مبنای کتاب‌های درسی براساس دیدگاه و نظر دانش‌آموزان و معلمان مورد تحلیل عمیق‌تر و دقیق‌تر قرار گیرد.

منابع

اعزازی، شهلا. (۱۳۹۰). دگرگونی در نقش زنان، تهران: نشر علم.

افشانی، علیرضا؛ عسکری ندوشن، عباس و فاضل نجف‌آبادی، سمیه. (۱۳۸۸). «بازتولید نقش‌های جنسیتی در کتاب‌های فارسی مقطع ابتدایی»، پژوهش زنان، دوره ۷، ش ۱، ص ۸۷-۱۰۷.

بیکر، تز ال. (۱۳۸۸). نحوه انجام تحقیقات اجتماعی، ترجمه: هوشنگ نایی، چاپ سوم، تهران: نشر نی.

توکلی، شهریار. (۱۳۸۹). «سالشمار تصویری ۱۳۷۷-۱۳۵۷»، نشریه هنرهای تصویری حرفه هنرمند. ش ۳۴، ص

- دوره ۸، ش ۳، ص ۱۹۵-۲۱۶.
- فروتن، مسعود. (۱۳۹۰). «زنان و زبان: بازنمایی هویت جنسیتی در کتاب‌های زبان‌های فارسی، عربی و انگلیسی مدارس ایران»، *مطالعات زنان*، سال ۹، ش ۲، ص ۱۶۱-۱۸۱.
- فیست، جس و گریگوری جی فیست. (۱۳۸۶). *نظریه شخصیت*، ترجمه: یحیی سید محمدی، تهران: نشر روان.
- قاسمی، وحید؛ علی نوروزی، رضا و رعنا محمدتقی‌نژاد. (۱۳۹۲). «تحلیل تطبیقی محتوای تصاویر کتاب‌های آموزش عمومی از منظر بازنمایی فرهنگ پوشش بین دو کشور ایران و سوریه»، *فصلنامه جامعه‌شناسی کاربردی*، سال ۲۴، ش ۴۹، ص ۹۲-۱۲۲.
- لهسایی‌زاده، عبدالعلی. (۱۳۸۷). «نظریه‌های جدید در مکتب تضاد»، *مجله جامعه‌شناسی*، ش ۳۲، ص ۹-۱۰.
- محمدپور، احمد. (۱۳۸۹). *ضد روش (منطق و طرح در روش‌شناسی کیفی)*. جلد ۱، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
- میرآشتیانی، الهام. (۱۳۸۵). «جامعه‌شناسی آسیب‌های نظام آموزشی کشور با تأکید بر جنبه‌های کیفی»، *نشریه علمی پژوهشی راهبرد*، ش ۴۰، ص ۶۳-۸۶.
- نرسیسیانس، امیلیا. (۱۳۸۳). *مردم‌شناسی جنسیت*، تهران: نشر افکار.
- هاشمی، سهیلا و مهرناز شهرآرای. (۱۳۸۷). «بررسی باورها و ارزش‌های دانش‌آموزان، خانواده و کتاب‌های درسی درباره تساوی جنسیت»، *فصلنامه مطالعات زنان*، سال ۶، ش ۲، ص ۲۷-۴۶.
- هولمز، ماری. (۱۳۸۹). *جنسیت در زندگی روزمره*، ترجمه: مهدی لیبی، تهران: نشر افکار.
- Blumberg, Rae Lesse. (1984) "A General Theory of Gender Stratification," *Sociological Theory*, N. 2, p. 23-101.
- Chapman. J. (1995) *The Feminist Perspective. In Marsh and Stoker (Eds.) Theory and Methods in Political Science*, p. 94 ° 114, Michigan: University of Michigan.
- Táboas-Pais, María; Rey-Cao, Ana.(2012) *Gender Differences in Physical Education Textbooks in Spain: A Content Analysis of Photographs Sex Roles*; Vol. 67, Issue 7/8, p389.
- Turner, Jonathan. (2003) *Structure of sociological Theory*, New York: Wadsworth Publication.
- Weitzman, Lenore J. (1972) "Sex-Role Socialization in Picture Books for Preschool Children the American", *Journal of Sociology*, Vol. 77, No.6, P 1126.

